

شرح کلیله و دمنه

فاطمه میرزایی پوئینک*



* شرح کلیله و دمنه (بر اساس

نسخه مجتبی مینوی)

* دکتر خیرالله محمودی

* مرکز نشر دانشگاه شیراز، چاپ

اول، ۱۳۸۶

کرده، و از قول برزویه نقل کرده‌اند که:
 «... سفر هندوستان پیش آمد، برفتم... و به وقت بازگشتن کتاب‌ها
 آوردم که یکی از آنها این کتاب کلیله و دمنه است».
 ۲. ریشه داستان‌های کلیله و دمنه در افسانه‌ها و روایات حماسی
 هندی از جمله کتاب پنجانتترا و مهابهاراتا یافت می‌شود.
 ۳. نام‌های خاص جانوران که در زبان سانسکریت دارای معناست،
 ولی در فارسی یافت نمی‌شود و یا معنایی ندارد، مانند دمنکا، شنبه،
 طیطوی. طیطوی پرنده‌ای است که نام آن نه فارسی و نه عربی است
 و صحیح آن «تی‌تبا» است.
 ۴. روح کتاب نشان می‌دهد که هندی است و فلسفه و افکار
 هندی در آن کاملاً آشکار است، از جمله به زاهدان و فقیران زیاد
 اشاره شده است. خویشنداری و امساک از خوردن زیاد جانداران و
 اعمال خارق‌العاده و تناسخ، مثل دعای زاهد که موشی را به صورت
 دختر زیبارویی درمی‌آورد [نیز از موارد دیگر است]»^۱

منابع داستان‌های کلیله و دمنه نیز، به طور اخص، دو کتاب هندی
 با نام‌های «پنجه تنتره» و «مهابهاراتا» معرفی شده است، که سه
 باب السُّور و الجرذ، الطائر و ابن‌الملک و الاسد و ابن اوی متعلق به
 «مهابهاراتا» است.

اما نویسنده در بخش اصلی کتاب به شرح واژه‌ها و عبارات دشوار
 فارسی و عربی در کلیله و دمنه پرداخته و معنی هر واژه یا عبارت را به
 صورت پانوشت در زیر متن هر صفحه آورده است، که از این رهگذر
 شبیه به کتاب کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی است. وی همچنین
 سرایندگان اشعار عربی و فارسی را تا حد امکان مشخص ساخته و در
 مواردی که نیاز به شرح بیشتر احساس شده به بخش تعلیقات ارجاع داده
 است. پس از متن اصلی و تعلیقات، دکتر محمودی به شرح اعلام پرداخته
 است. وی همچنین فهرست‌های متعددی را از واژه‌ها، آیات، احادیث، اشعار
 و امثال و حکم فارسی و عربی ترتیب داده و بر غنای اثر افزوده است. از آنجا
 که در کتاب کلیله و دمنه واژه‌های دشوار و اشعار فارسی و عربی فراوان
 به چشم می‌خورد این فهرست‌ها به استفاده آسان‌تر خواننده از کتاب کمک
 کرده و میزان کاربرد هر کدام را در کلیله و دمنه مشخص می‌سازد.

پی‌نوشت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱. شرح کلیله و دمنه، دکتر خیرالله محمودی، ص ۲-۱.

کلیله و دمنه مجموعه‌ای از داستان‌های کهن هندی است که
 توسط برزویه طبیب، در زمان انوشیروان، از سانسکریت به پهلوی
 ترجمه و بخش‌هایی بر آن افزوده شد. این کتاب بعدها توسط ابن مقفع
 به عربی ترجمه گشت تا اینکه دیگر بار نصرالله منشی کلیله و دمنه
 ابن مقفع را به فارسی نقل کرد، و آن همین کتابی است که امروزه یکی
 از ارزشمندترین نثرهای زبان فارسی محسوب می‌گردد. از آنجا که
 نثر این کتاب در ضمن زیبایی و شیوایی بسیار، پیچیدگی‌هایی را نیز
 شامل است، اهل فن را بر آن داشته است تا شروخی هر چند مختصر
 بر آن بنگارند. از جمله این شروح می‌توان از کتاب دکتر خیرالله
 محمودی استادیار دانشگاه شیراز نام برد. وی نخست پس از ذکر
 پیشگفتاری کوتاه، در مقدمه‌ای پانزده صفحه‌ای به سرچشمه‌ها، منابع
 و ترجمه‌های کلیله و دمنه پرداخته و بخش‌های مختلف آن را مورد
 نقد و بررسی قرار داده است. این مقدمه راه شاید بتوان سودمندترین
 بخش کتاب دانست، چرا که چشم‌اندازی هرچند محدود راه از پیشینه
 داستان‌های کلیله و دمنه مقابل روی خواننده قرار می‌دهد. نویسنده در
 بخش سرچشمه‌های کلیله و دمنه با ذکر چهار دلیل بر هندی بودن
 کتاب تأکید کرده و گفته است که:

«۱. در مقدمه‌ای که به قلم برزویه طبیب به ترجمه پهلوی کلیله
 و دمنه نوشته شده است و ابن مقفع و نصرالله منشی آن را به عربی
 و فارسی دری ترجمه کرده‌اند، اشاره به سفر هندوستان برزویه طبیب